



خداوند همه عقاب ها را به آخرت موکول نمی کند

آیت الله علی اکبر رشاد گفت: از جمله عقاب ها ابتلای انسان در همین دنیا است و انتقام در همین دنیا گرفته می شود. هرچون رفتار کنی همان گونه نیز با تو عمل می شود. عمل آدمی پژواک دارد.

آیت الله علی اکبر رشاد گفت: از جمله عقاب ها ابتلای انسان در همین دنیا است و انتقام در همین دنیا گرفته می شود. هرچون رفتار کنی همان گونه نیز با تو عمل می شود. عمل آدمی پژواک دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح درس اخلاق آیت الله علی اکبر رشاد در جمع طلاب حوزه علمیه امام رضا (ع) است که در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه ایراد شده است. متن این سخنرانی را در ادامه می خوانید.

در جلسات گذشته پیرامون آثار غیبت بحث کردیم. و عرض شد که این رذیلت، پاره ای آثار فردی، روحی و انفسی دارد. و پاره ای آثار اجتماعی و آفاقی دارد. فی الجمله بخشی از آثار را توضیح دادیم.

اثر شیاع غیبت در جامعه

اما از جمله آثاری که در اخبار ما ذکر شده است این است که گویی سنت پروردگار و قاعده و قانون الهی این است که اگر کسی بدی کند دیگری هم نسبت به او بدی خواهد کرد. این قاعده در خصوص غیبت هم مطرح شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت فرمودند: «لا تغترب فتغترب...» غیبت دیگری را نکن تا او هم غیبت تو را بکند! یک معنای این روایت اینست که اگر غیبت کسی را بکنی بدان که این رذیلت شیاع می یابد و رسم می شود و نهایتا نوبت به تو هم می رسد.

خیال می کنی اگر غیبت کسی را بکنی تمام می شود و یک طرفه است؟ وقتی تو غیبت کنی دیگران هم از تو یاد می گیرند و همین طور آرام آرام سنت می شود و قبح غیبت از بین می رود. و همه غیبت همدیگر را می کنند. یک معنا همین است که غیبت نکن تا به عنوان رسم و سنتی در بین مردم رواج یابد و جامعه را آلوده کند. چرا که برای دیگران هم مانند تو شرایط فراهم است تا مرتکب این فعل قبیح شوند. لذا معنایی که از این روایت برداشت می شود تحلیل اجتماعی آثار غیبت است که اگر غیبت کنیم باعث نشر این رذیلت می شویم.

غیبت؛ گناهی گریبانگیر

در حدیث دیگری حضرت می فرمایند: لا یطمعن...المغتتاب فی السلامه (الخصال: ۴۳۴ / ۲۰). کسی که غیبت می کند خیال نکند که سالم می ماند. دیگر نباید طمع سلامت داشته باشد. و یا به همین معنا که وقتی غیبت می کنی روزی هم تو مورد غیبت قرار خواهی گرفت. جامعه آلوده می شود. خیال نکن غیبت دیگران را می کنی اما راجع به تو غیبت نخواهد شد! طبیعی است که دیگران هم عکس العمل نشان می دهند. حدیث دوم موید معنای اولی است که از حدیث اول عرض کردیم.

معنای دوم حدیث اشاره ای به گفته های اول جلسه است که عرض شد سنت هایی وجود دارد. در روایات فراوانی این قضیه هست. در انواع معاصی این مطلب مطرح شده است. مثلاً فرموده اند: به دیده ربه و به قصد حرام به محارم دیگران نگاه مکن که همین اتفاق راجع به خودت می افتد. و به نوامیس تو می نگرند. البته این روایات هم همین دو تفسیر را می پذیرد. یکی تحلیل اجتماعی ماجراست. وقتی کسی چشم چرانی کند یکی یکی افراد از هم یاد می گیرند. وقتی تعداد افرادی که حریم نگاه نمی دارند و چشم چرانی می کنند زیاد شد؛ عده ای هم نسبت به محارم شما چشم چرانی می کنند.

هرچه کنی به خود کنی...

اما معنای دوم، تحلیل معنوی و متکی به سنن الهی است که اصولاً همان بدی ای که در حق دیگران می کنی دیگری در حق تو خواهد کرد. «لا تغترب فتغترب، ولا تحفر لاختیک حفرة فتقع فیها...» این ضرب المثل را در فارسی هم داریم که گفته می شود چاه کن اول خودش ته چاه است. امام (ع) هم می فرماید: برای دیگری دام نگستر و حفرة نکن که خودت درونش خواهی افتاد. سپس به آن سنت الهی و قاعده افعال خداوندی اشاره می فرماید: فإنک کما تدین ثدان. (البحار: ۷۵ / ۲۴۹ / ۱۶). همان طور که عمل می کنی با تو عمل می شود.

این نشان می دهد که تفسیر دوم از این حدیث صحیح تر است چرا که در آخر به همین مطلب استدلال می فرمایند. سنت الهی چنین است. خداوند همه عذاب ها و عقاب ها را به آخرت موکول نمی کند. بلکه برخی در همین دنیا گریبان گیر انسان می شود که یکی از آنها بازخورد متقابل افشای سرّ دیگران است. این هم نوعی عذاب است که خداوند در سنن خود تعبیه کرده است. اگر به مظلومی بد کردی در حالی که او یا صدایش به جایی نمی رسد که از خودش دفاع کند یا شرایطش مجال دفاع از حقش را نمی دهد. یا اصلاً مطلع نیست که به او تهمت زدی یا اهانت کردی یا افترا بستی؛ خیال می کنی کار تمام است و موکول به قیامت می شود؟ تا اینکه آخر عمر توبه کنی و آمرزیده شوی؟ نخیر! خداوند همین جا عقاب می کند.

از جمله عقاب ها ابتلای انسان در همین دنیا است. همین جا باید تاوان داد. و انتقام در همین دنیا گرفته می شود. این قاعده ای است که حضرت بر طبق آن استدلال می فرمایند: فَإِنَّكُمَا تَدِينُ ثَدَانِ. هرچور رفتار کنی همان گونه نیز با تو عمل می شود. پس یکی از آثار و عواقب منفی ردیلت غیبت این است که به خود انسان برمی گردد. و دارای بازتاب و پژواک است. عمل آدمی پژواک دارد. مثل کوه که فریاد می زند و پژواک آن به شما برمی گردد. صدایش برمی گردد. کلمه «صدا» صحیح است نه «صیدا». صدا هم معنی پژواک است و غیر از ندا است که به معنی فریاد است. دنیا مانند کوه، بازتاب دارد. عملی را انجام می دهی و نه یک بار که ده بار آن صدا به شما برمی گردد.

اخراج از مملکت الله

حدیث دیگری از امام صادق(ع) هست که حضرت می فرمایند: «من روی علی مؤمن روایه یزید بها شینه و هدم مروته لیسقط من أعین الناس، أخرجه الله عزوجل من ولايته إلى ولاية الشيطان» (البحار: ۷۵ / ۲۵۸ / ۵۳). اگر کسی چیزی از برادر مومن خود را در غیابش نقل کند. (نقل هم دوالّ مختلفی دارد. نظیر نوشتن یا ایما و اشاره) تا او را تخریب کند و موجب شین برادر دینی خود شود و انهدام شخصیت او را در پی داشته باشد تا او را در چشم مردم فرو کاهد یا از چشم مردم بیفتد؛ خداوند هم او را از مدار ولایت خود اخراج می کند.

به تعبیر امروزی گذرنامه و تبعیت او را باطل می کند. تو دیگر جزء کشور من نیستی! برو به ولایت شیطان! جزء مملکت من نیستی تا در اختیار من باشی. برو و در مملکت شیطان تنفس کن! همان چیزی می شود که برای بعضی از ما اتفاق افتاده است. زیر پرچم جمهوری اسلامی هستیم ولی امریکایی فکر می کنیم. تأسف دارد که بعضی به دست خود دوتبعیتی می شوند. قدر این نعمت را نمی دانند که در کشور امام زمان و امام رضا(ع) و مملکت اهل بیت(ع) هستند و در این فضا تنفس می کنند.

متأسفانه بعضی از مدیران نظام خود را دو تبعیتی می کنند. اینجا می شود با فریبکاری کار را جلو برد. اما در حکومت خدا این طور نیست. یا رومی روم یا زنگی زنگ! خدا دو تا گذرنامه نمی دهد. خطاب می کند یا تابع مملکت منی یا تابع مملکت شیطان! نمی شود گفت ذره ای مشرکیم و ذره ای موحد! درست است که توحید مراتب دارد. اما اگر مشرک باشی دیگر از دایره توحید خارج هستی.

خداوند متعال می فرماید کسی که بنا دارد در غالب غیبت، شین مومنی را سبب شود و به افشای اسرار دیگران دست یازد- چه رسد به اینکه تهمت بزند. چون وقتی بعضی را از غیبت نهی می کنید پاسخ می دهند: دروغ که نمی گویم. به چشم خودم دیده ام! حتی خیال می شود غیبت کردن صرف گفتن بدی های شخص است. نخیر! طبق روایات هرآنچه طرف ما راضی به گفتن آن نباشد غیبت است. چراکه از حقوق و حریم خصوصی فرد است. و حق دخالت نداریم- او را از حوزه حکومت خود اخراج می کنم و به حوزه حکومت شیطان می فرستم.

تبعه مملکت شیطان!

در هستی منطقه آزادی وجود ندارد. یا در ولایت الهی هستی و یا اگر نیستی در ولایت شیطانی. خیلی مرزها دقیق است. لذا اگر از این در خارج می شود از همان در وارد ولایت دیگری می شوی. آن چنان که هرکس در کشوری زندگی می کند تابع قوانین آن است؛ کسی که به حوزه مملکت و ولایت شیطان وارد شد تابع قوانین شیطان است. و همه کارهای او شیطانی می شود. در نتیجه اگر عمل صالحی هم انجام دهد شیطانی است. نماز شب می خواند ولی شیطانی است و مواخذه می شود. چون سحر برمی خیزد؛ نوافلش را با صدای بلند می خواند تا همسایه بشنود. به خاطر همین عمل به ظاهر مستحب هم کتکش می زنند. چون تابع ولایت شیطان شده است و نماز شبش هم ربایی و شیطانی است.

به عمل کار برآید...

اینکه ابلیس چهار هزار سال در آسمان چهارم به عبادت مشغول بوده است و به فرموده امیرالمومنین(ع): لا یدری ا من سنتی

الدنيا ام من سنتی الاخره. - البته حضرت می دانند ولی می خواهند به اهمیت قضیه اشاره کنند- می فرمایند: معلوم نیست این چهارهزار سال براساس سالهای دنیاست که بر حسب حرکات خورشید و ماه محاسبه می شود یا آخرتی است که هر روزش پنجاه هزار سال دنیایی است. عبادت شیطان در زمین نبود بلکه در آسمان بود.

بین آدم نماهای حیوان سیرت نبود بلکه در صفوف فرشته ها بود. ضمن آنکه مزاحمی هم برای عبادتش وجود نداشت. نه طلبه و دانشجو بود نه مدیر و سیاست مدار. بلکه یک سره همه این مدت دراز را در عبادت خدا گذراند. اما معلوم می شود همه این عبادات بی ثمر بوده چرا که خودش را هم نتوانسته نجات دهد. مثل این هایی که مدعی عرفان هستند ولی هزار جور فساد از آنها سر می زند. معلوم می شود عرفانشان دروغ است. بهترین شاخص برای فهم صحت ادعاهای عرفان و معنویت و اخلاق، عمل سرزده از مدعی است.

راجع به یکی از افرادی که مدعی عرفان هم هست جایی گفتم که عرفان این آقا عقیم است. برای اینکه اگر اهل سلوک بود- آنچنان که مدعی است جزء اقطاب عرفا و صوفیه است- و عرفان علوی و زایا داشت خودش را نجات می داد. نمی رفت مسئول دفتر فرح شود. عارف و مسئولیت دفتر فرح؟! این چه عرفانی است؟! خودت را نتوانسته ای نجات دهی؛ حالا مدعی هستی که دیگران را می توانی با این عرفان نجات دهی؟! به هر حال عمل آدم باید نشان بدهد. اگر عمل انسان نتیجه ندارد معلوم می شود آن عمل اشکال دارد. چهار هزار سال عبادت ابلیس، ابلیسی بوده است. البته حضرت می فرماید اینجا یک چیز اتفاق افتاد و آن اینکه ابلیس کبر ورزید. و این تکبر او را ساقط کرد.

هر کس محاسبه نکند از ما نیست!

ما هم بنشینیم محاسبه کنیم که چند بار در روز ساقط می شویم؟ خیال می کنیم خدا با شیطان دشمنی داشت و دنبال بهانه ای بود که بعد از چهار هزار سال عبادت، او را ساقط کند؟ نه! بلکه خداوند دلسوز بندگان است و دائم می خواهد پر و بال مخلوقاتش را بگیرد و با رحمت با آنان برخورد کند.

نه اینکه خیال کنیم خداوند العیاذبالله به تعبیر عامیانه- با ابلیس پدرکشتگی داشت! پدر کشتی و تخم کین کاشتی! خیر آقا! خداوند با کسی تعارف ندارد- العیاذ بالله- پسر خاله ما نیست! حالا ما حساب کنیم ببینیم چند بار در روز مثل ابلیس سقوط می کنیم؟ العیاذ بالله چند بار کبر می ورزیم؟ چند بار به عجب گرفتار می شویم؟ چند بار دروغ می گوئیم و غیبت می کنیم؟

امام کاظم(ع) در حدیثی می فرمایند: «هر آن کسی که هر روز محاسبه نداشته باشد- هر روز ننشیند حساب و کتاب کند که من امروز چه بلایی سر خودم آوردم- از ما نیست.»

با خود چکار می کنیم؟

می خواهید بفهمید چه کسی شیعه است؟ «سلمان منا اهل البیت» یعنی چه؟ سلمانی که یک پیرمرد دویست و چند ساله است و همه ادیان را تجربه کرده تا به اسلام رسیده است. و در اسلام هم کنار امیرالمومنین(ع) قرار گرفته، چه اتفاقی افتاده است که فرموده اند: «سلمان از ما اهل بیت است». آن وقت دیگری هم در بیت پیغمبر است ولی مطرود است. ما گمان می کنیم خودمان چه حال و روزی داریم؟ می فرمایند می خواهید مطلع شوید؟

غروبی، آخر وقتی بنشینید ببینید آن روز با خود چه کرده اید! و اگر کسی بی مبالا باشد- که ان شاءالله ما طلبه ها این گونه نیستیم و نباید چنین باشیم- مثل این است که از ابتدای روز چاقو به دست گرفته و پیوسته خود را زخم و زیل کرده است. یا مثل کسی است که درون لجن رفته و همه وجودش را لجن های متعفن بدرنگ گرفته است. اگر بنشیند و محاسبه کند می گوید خدایا من با خود چه کرده ام! واقعا باید با خدا خلوت کرد و معترف بود به اینکه خدایا هر چه در ذهن من هم خطور کرده می دانی ما تخفی الصدور در مشیت توست! صادقانه بگوئیم خدایا ببخشید! البته به خاطر کارهای خوبی هم که کرده ایم امیدوار شویم.

خداوند هم صفات جمال دارد و هم صفات جمال. صرفا به صفات جلالی الهی توجه نکنیم! باید ساحت الهی را جمالی هم دید. خدایی که یک سویه دیده شود خدا نیست! مثل اسلام تک ساحتی که اسلام نیست. اسلام رحمانی محض، اسلام نیست. کما اینکه اسلام داعشی هم اسلام نیست. هیچکدام اسلام نیستند. اسلام آن است که هم رحمانیت دارد و هم سطوت و جهاد و حماسه. هم جاذبه دارد و هم دافعه.

توبه پایان کار نیست!

بعضی گناهان طوری است که مشکل دارد و با توبه مشکلش حل نمی شود که غیبت از جمله آنها است. پرسیده شد چرا گفته شده الغیبه اشد من الزنا؟ زنا که این همه در قران و روایات و در عرف مومنین و متشرعین گناه سنگینی است. فرمودند: به جهت آنکه اگر کسی از زنا توبه کرد پاک می شود ولی غیبت، تضییع حق الناس است.

طرف مقابل تو تنها خدا نیست. باید سراغ غیبت شونده بروی و رضایت او را جلب کنی! زنده است یا مرده؟ پیدایش می کنی یا نه؟ رضایت می دهد یا نه؟ به او هم دسترسی یافتی با بقیه ای که شنیده اند چه می کنی؟ آنها که شنیده اند و نقل کرده اند چه؟ چطور می خواهی ذهن آنها را تصحیح کنی؟ آبروی مومنی را برده ای! لذا غیبت از زنا شدیدتر است.

روایتی سنگین و کمرشکن!

آنگاه در روایتی می فرمایند: «أوحى الله إلى موسى عليه السلام؛ من مات تائباً عن الغيبة فهو آخر من يدخل إلى الجنة و من مات مصرّاً عليها فهو أول من يدخل النار» (مستدرک وسائل الشیعة : ۹ / ۱۲۶) اگر کسی بمیرد و از غیبت توبه کرده باشد؛ آخرین کسی است که وارد بهشت می شود.

حالا چقدر طول می کشد تا نوبت به آخرین نفر برسد؟ و الله العالم! آیا بعد از کسانی است که وارد جهنم می شوند و عذاب را می چشند و مدتها طول می کشد تا تطهیر شوند؟ یعنی آیا در این مدت اهل غیبت در محشر سرگردان هستند؟ یا عذاب می کشند تا دیگران هم در عذاب تطهیر شوند و وارد بهشت گردند و آنگاه اینان به عنوان آخرین نفرات وارد بهشت می شوند؟

اما اگر کسی توبه نکند و بمیرد اولین کسی است که وارد جهنم می شود. ان شاء الله خداوند متعال ما را از گزند این رذیلت- که مانند بعضی رذائل دیگر بیشتر هم گریبان گیر ما طلبه ها است -حفظ کند. حسد، غیبت و عجب از جمله رذائل اختصاصی نخبگان است. که علماء و طلبه ها و مدیران و هنرمندان از آن جمله اند. آنچنان که بعضی بیماری های جسمی مانند چاقی و مرض قند اختصاص به اشراف دارد. یک سری از بیماری های روحی هم مختص به اقشار خاصی از نخبگان است. و ما خواه ناخواه مبتلاییم. خداوند متعال ما را از معرض این معاصی و رذائل خارج کند.

خداوندا ما می خواهیم که به این عوارض و امراض مبتلا نشویم ولی خطا می کنیم و نمی فهمیم. لغزش می کنیم و حتی گاهی فضا ما را به این سمت می برد. گاهی دیگران ما را وا می دارند. هزار و یک عامل و محرک و رانشگر، سبب می شود که به دامن گناه بیفتیم و مبتلا به رذیلت شویم. ضعیفیم! تو خود فرموده ای که ما را ضعیف خلق کرده ای و البته قدرت هم داده ای. بار خداوندا به ما قوت و قدرت اطاعت از فرامین و احکام و دستورات خود را کرامت بفرما!

جملگی عمامه ایم!

چه بخواهیم و چه نخواهیم؛ چه بدانیم و چه ندانیم؛ دیگران ما را سرباز امام زمان می خوانند و می دانند. مردم ما را این گونه می خواهند و می شناسند. برای همین است که نقاط ضعف ما را تحمل نمی کنند. توقع ندارند که ما بد باشیم! مایل نیستند بگویند: فلان طلبه یا روحانی فلان رفتار را کرد. این که ملاحظه می کنید مردم سخت می گیرند حق دارند. جایی عرض کردم ما طلبه ها مثل عمامه مان هستیم. سفیدیم یک لکه هم دیده می شود. ممکن است بعضی اقشار اینجور نباشند. خیلی آلوده اند. کسی نمی بیند. ولی کوچکترین لکه هم ما را سیاه می کند و دیده می شود. مثل عمامه بالاسریم.

در معرض انظاریم. اقشار دیگر اینطور نیستند. اصلاً خود ما عمامه ایم. ما معمّم نیستیم. بلکه به عبارت دقیقتر متعمّم هستیم. سفیدیم. عمامه سیاه هم همین طور است. یک لکه سفید رویش دیده می شود. جوراب اگر کثیف بود ایرادی ندارد ولی عمامه نباید کثیف باشد! بلکه باید همواره سفید و تمیز باشد. مردم این انتظار را از ما دارند. و به حق هم انتظار دارند. البته نباید به اشتباه ما را معصوم تلقی کنند. این را باید توجه داشت و به مردم گفت.

مردم باید توقع عدالت از ما داشته باشند نه عصمت! ولی اگر عادل نباشیم حق دارند به ما اعتراض کنند. خود ما طلبه ها هم در بین خود از دوستان و اساتید خود توقع عدالت داشته باشیم نه عصمت! ممکن است خطایی بکند اما از طلبه گناه کبیره انتظار نمی رود. یا اگر مرتکب صغیره شد هی تکرار نکند که تبدیل به کبیره شود. طلبه باید اینجور باشد. خداوندا تقوا، ورع- که بالاتر از تقواست- و عدالت نصیب ما بگردان.